

واکاوی آینده مطلوب توسعه کارآفرینی بر اساس شاخص های جامعه مهدوی*

غلامرضا بهروزی لک^۱

علیرضا نصرتی^۲

چکیده

کیفیت و چگونگی ارتباط جامعه منتظر به جامعه مهدوی موضوعی اساسی است. بازخوانی شاخص های جامعه مهدوی، چارچوب مناسبی برای حرکتی صحیح در امتداد جامعه مهدوی ارائه می دهد. تحقیق، در این راستا به دنبال تصویرسازی جامعه مهدوی با تاکید بر حوزه کارآفرینی و ارائه ویژگی های جامعه منتظر در مسیر تعالی و اتصال به جامعه مطلوب در این زمینه است. این مطالعه به جهت هدف، توسعه ای - کاربردی است که در آن به صورت کیفی آیات، روایات و دیدگاه های صاحب نظران به گزاره ها و جهت گیری های تجویزی معطوف به آینده کارآفرینی در جامعه منتظر تبدیل شده است. بر این اساس هشت شاخص بنیادین جامعه مهدوی مشتمل بر خدامحوری، سعادت محوری، هادی محوری، شریعت محوری، بلوغ فکری و علمی، وحدت و فراگیری توحید، وفور نعمت و فراگیری عدالت و امنیت فراگیر مبنای طراحی تصویر کارآفرینی در جامعه منتظر قرار گرفته است. در این تصویر، کارآفرینی به عنوان عامل ایجاد ارزش های چندگانه، نقش و تأثیری چشمگیر در ایجاد کانون های پیش برنده جامعه به سمت سعادت و جامعه مهدوی خواهد داشت. البته برای این منظور، سیاست گذاری و طراحی راهبردهایی که جهت گیری های اساسی چنین حرکتی را نظام مند نماید ضروری خواهد بود.

واژگان کلیدی

جامعه مهدوی، جامعه منتظر، کارآفرینی، آینده.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۹

۱. استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم، ایران (behroozlak@gmail.com).

۲. دکتری آینده پژوهی؛ اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گیلان، ایران (نویسنده مسئول) (az.nosrati@gmail.com).

مقدمه

تفکر مهدویت، تفکر و نگرشی معطوف به آینده و در حقیقت رویکردی آینده‌نگرانه است. در این تفکر، گذشته، حال و آینده جهان واجد حرکتی مستمر، پویا، هدفمند و به سوی کمال بوده (گودرزی، ۱۳۸۹: ۸۴) و برخواسته از يك نیاز فطری و جهانی است (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰). مطابق این تفکر، کل نظام هستی - در عین قائل بودن به عامل اختیار انسانی - متأثر از ذات پروردگار و سنن الهی است و برخلاف آرمان شهرهای غربی که بر اساس تمناها، آرزوها و وهم و خیال ساخته می‌شوند، براموری واقعی و حقیقی بنیان نهاده شده است (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). این موضوع، التزام جهت‌گیری‌های راهبردی در «جامعه منتظر» برای تحقق آینده مورد نظر در جامعه مهدوی را از يك انتخاب به يك الزام تبدیل می‌نماید. به عبارتی ضروری است که تصویر مطلوب آینده، معیار برنامه امروز در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه کارآفرینی باشد. این امر به انتظار، روح، پویایی و کنش‌گری می‌بخشد. متاسفانه مفهوم «انتظار» در میان بعضی از مسلمانان هنوز به طور کامل درك نشده است. برخی مفهوم انتظار را انفعال و دست روی دست گذاردن می‌دانند. برخی نیز برای تعجیل در امر ظهور، با استفاده ابزاری از حدیث «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ق: ۱، ۱۴۲) معتقدند که آن قدر باید فساد زیاد باشد تا زمینه ظهور فراهم شود! بعضی نیز بر این باورند که با انتظار موثر، تقواییبشگی و خودسازی و انجام واجبات و پرهیز از محرمات و به ویژه تأکید بر «امر به معروف و نهی از منکر» باید زمینه ظهور را فراهم کرد و با دعا و عبادت، از خداوند متعال فرج امام را خواست (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۲۴۷). در هر حال این باور کلی وجود دارد که زمینه‌سازی ظهور مسئولیت و وظیفه‌ای بسیار خطیر و مهم بوده و ابعاد متعدد و مختلفی را شامل می‌گردد (فیروزآبادی، ۱۳۸۶).

موضوعی که این مقاله با توجه به ویژگی‌های جامعه مهدوی مد نظر داشته و مورد بررسی قرار می‌دهد، «کارآفرینی» است. کارآفرینی، به عنوان مقوله‌ای چندبعدی، منزلگاه مهم بروز و ظهور استعدادهای انسان برای ایجاد ارزش است (خنیفر، ۱۳۹۱: ۱). کارآفرینی در مفهوم عام خود، به معنای صرف اشتغال، کار، سود و امثال آن نیست و به «ارزش‌آفرینی» نزدیک‌تر است. در واقع کارآفرینی سازوکاری است که سعی دارد با رویکردی کلان‌نگر برای مجموعه کنش‌گران و ذی‌نفعان یک حوزه، ارزش‌های متناسب و مورد انتظار را ایجاد و فراهم نماید. وقتی از توسعه کارآفرینی صحبت می‌شود منظور اهرم کردن شاخص‌های کارآفرینی در حل مسائل اجتماعی و اقتصادی است، تلاشی اجتماعی که صورت می‌گیرد تا ارزشی عادلانه به اشتراک

گذاشته شده و یا توزیع شود. بر این اساس، صرفاً یکی از رویکردهای کارآفرینی، ارزش‌آفرینی با پویایی در بازار کار و ایجاد اشتغال خواهد بود. ضمن این‌که با توجه به آیات و روایات وارده در خصوص اهمیت و کیفیت کار و تلاش عزتمند در جهت پیشرفت جوامع، کارآفرینی می‌تواند رویکرد مناسبی برای تحقق اهداف کلان توسعه نیز تلقی گردد (خانی جزنی، ۱۳۹۰: ۲۱۶-۲۱۷).

با اسلامی بودن نظام حکومتی ما، تبیین ویژگی‌ها، خصوصیات و سیاست‌های نظام بر مبنای اسلام، الزامی می‌گردد. تبیین و معرفی این معیارها، می‌باید چارچوبی برای توجه و حرکت فردی، سازمانی و ملی به سمت ایده‌آل‌ها و اهداف حکومت اسلامی باشد (نقی پورفر، ۱۳۸۲: ۱۰۱). این بحث با توجه به مشکلات و ناکارآمدی الگوهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی و بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی متعدد آنان اهمیتی دوچندان می‌یابد (احمدپور داریانی و نصیری، ۱۳۹۰: ۷۲). وقتی از منظر «کارآفرینی» به موضوع «کار» نگاه می‌کنیم، کار از مفهوم سنتی خود که نوعی کاسبی ایستا و صرف مجموعه‌ای از فعالیت‌های فیزیکی یا فکری و کسب درآمد مالی است خارج شده و به هم‌تی فراگیر، متعهدانه و برون‌نگر از صرف منفعت فردی تبدیل می‌شود. ارزش‌گرایی اجتماعی در تعبیر کار کارآفرینانه نقشی اساسی ایفا می‌کند. کار کارآفرینانه، مفهوم کار با دامنه تأثیر بر کل حیات بشریت را بازمهندسی نموده (توسلی، ۱۳۹۱: ۳) و ما را وارد پارادایم جدیدی می‌نماید. در این پارادایم ما ملزم به توجه به رویکرد کارآفرینی به کار در کنار نگاه سنتی به آن هستیم. قرآن کریم به بار ارزشی و تعهدگرایی در کار، این چنین اشاره می‌کند:

﴿وَأَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ﴾ (هود: ۱۶۱)؛

خداوند شما را از زمین آفریده است و آن را مستعمره قرار داده و خواسته است که با سعی و عمل آن را معمور و آباد نمایید.

کار ارزشی در مطالعات مختلف مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات بکر^۱ و همکاران (۲۰۰۷)، در خصوص اثرگذاری کنش‌های نوع دوستی و خیرخواهانه، پایبندی به ارزش‌های مذهبی و تعالیم اخلاقی در بروز رفتارهای کارآفرینانه و مطالعات سالامون^۲ (۱۹۹۷: ۶) در خصوص مقایسه تطبیقی مذاهب مختلف و اهمیت مکتب

1. Bekker

2. Salamon

اسلام نسبت به بسیاری از مکاتب دینی در خصوص فعالیت‌های نوع‌دوستانه و ارزش مدار اشاره کرد.

روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع اسنادی - تحلیلی و استنباطی است؛ به این مفهوم که اسناد، صرفاً از طریق کتب و یا اسناد و مدارک دیگر به طور مستقیم و یا با واسطه مورد بهره‌برداری قرار گرفته و تحلیل شده است. استخراج گزاره‌های مرتبط برای اتصال جامعه منتظر به جامعه مهدوی در هر حوزه‌ای در ابتدا مستلزم شناخت جامعه مهدوی است. بعد از این شناخت امکان برنامه‌ریزی برای تحول از وضع موجود به وضع مطلوب میسر می‌گردد (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۸: ۶۶). براین اساس، با توجه به نقش و اهمیت کارآفرینی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، چالش و دغدغه اصلی این تحقیق شناسایی شاخص‌های جامعه مهدوی و بررسی چگونگی پیوند این شاخص‌ها با جامعه منتظر در حوزه کارآفرینی است.

مبانی نظری

۱. کارآفرینی

کارآفرینی، که «فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها» تعریف شده (هزارجریبی، ۱۳۸۷: ۱۸) از آن با عنوان موتور توسعه اقتصادی و عامل افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی یاد می‌شود (احمدپور داریانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). قابلیت‌هایی که بسترسازی و توسعه آن، توانمندسازی انسان‌ها برای جستجوی فرصت‌ها، بدون اتکای محض به سایر عوامل را فراهم می‌آورد (ربانی و انصاری، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

کارآفرینی، در سطوح مختلف فردی، سازمانی و ملی تعاریف و کارکردهای متفاوتی دارد. مطابق نظر برویات و ژولین^۱ (۲۰۰۰)،^۲ کارآفرینی ملی، مسئله‌ای با ابعاد متعدد و مختلف است که رکن اصلی آن آفرینش ارزش با عاملیت کنش‌گران ملی از جمله نهادها است که در نتیجه نوآوری و سازمان‌آفرینی صورت می‌گیرد.

شومپیتر^۳ معتقد است توسعه ملی امری درون‌زا است که صرفاً با محوریت کارآفرینان که

1. Bruyat, C. & Julien

2. Bruyat & Julien

3. Schompeter

نیروی محرکه اصلی توسعه اقتصادی جوامع هستند، محقق می‌گردد. وی تأکید می‌کند جریان ملی کارآفرینی از طریق نوآوری، ترکیبات تازه‌ای از استفاده از منابع و فرصت‌ها را ارائه می‌دهد. بر این اساس، مقصد کارآفرین، «نوآوری» و کار کارآفرین «تخریب خلاق»^۱ است. از جمله نکات مورد تأکید وی می‌توان به «ایجاد تعادل پویا» از طریق نوآوری و کارآفرینی به عنوان مشخصه یک اقتصاد سالم و «تخریب خلاق»، به عنوان یک نیروی برانگیزاننده در ایجاد تحول و توسعه اقتصادی جوامع نام برد. بر این اساس با تعمیق اجتماعی جریان کارآفرینی، همواره محصولات، روش‌ها و فرآیندهای تولید، بازارها، منابع و نهادهای جدیدی ایجاد می‌شود که این امر با تخریب خلاقانه ساختارهای سنتی قبلی، ارزش آفرینی بیشتر و گسترش عدالت را سبب می‌شود (احمدپور داریانی، ۱۳۸۲: ۵۴).

تفکر کارآفرینی، در قالب چند رویکرد قابل پیگیری است. مقیمی (۱۳۸۷: ۲۰-۲۱) سه رویکرد برای تفکر کارآفرینانه قائل است:

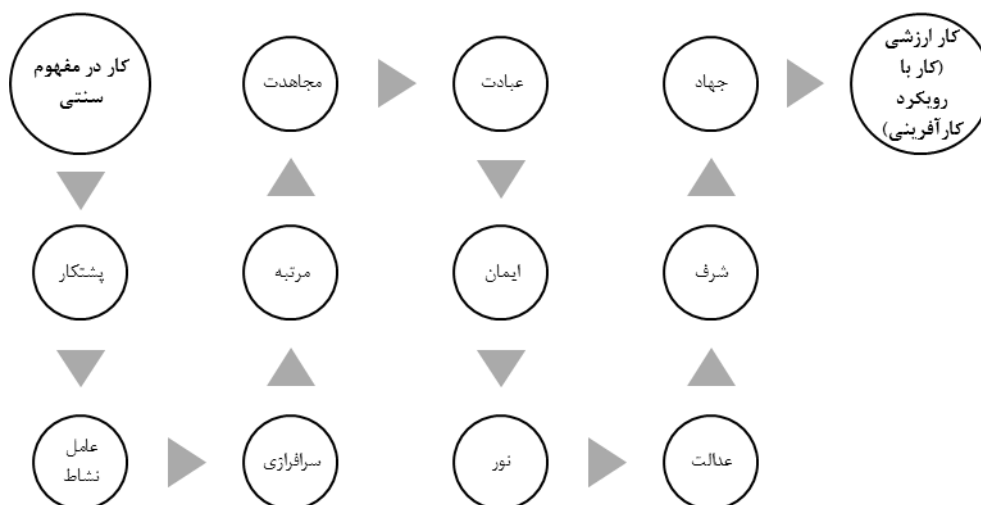
۱. رویکرد سطح خرد که از منظر روان‌شناختی کارآفرینی را مورد توجه قرار می‌دهد؛
 ۲. رویکرد جامعه‌شناسی که رویکرد سطح میانه بوده و مبتنی بر مطالعات سازمان محور کارآفرینی است؛

۳. رویکرد سطح کلان که مبتنی بر محیط‌گرایی با محوریت محیط ملی است. اصولاً کارآفرینی با نظام ارزشی و آرمان‌هایی که استانداردهای رفتار اجتماعی را شکل می‌دهد، ارتباط نزدیکی دارد (ربانی و انصاری، ۱۳۸۷: ۱۳۱). از نظر اسلام، کارآفرین فرد تلاشگری است که با اتکاء به نفس و توکل به خداوند بتواند از حداکثر توانایی‌های جسمی، مادی و تخصصی خود از راه حلال و در جهت منافع خود و جامعه، استفاده نماید (حنیفر، ۱۳۹۱: ۳۱). بعضی احادیث موکد بر مفهوم کار ارزشی در ادبیات اسلامی در جدول شماره ۱ و هم‌چنین محورهای مستخرج در شکل شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: کار ارزشی در روایات (حنیفر، ۱۳۹۱: ۲۳)

صاحب روایت	مصدق
پیامبر اکرم ﷺ	مساوی جهاد در راه خدا است
امام علی <small>علیه السلام</small>	عامل ایجاد عدالت و مساوات است
امام صادق <small>علیه السلام</small>	عامل رضایت خدا و سرفرازی در آخرت است
پیامبر اکرم ﷺ	مساوی و هم مرتبه شهدا است

امام رضا <small>علیه السلام</small>	اجرهمتای مجاهدت است
پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	مساوی و برتر از عبادت است
امام علی <small>علیه السلام</small>	نشانه مؤمن بودن است
امام علی <small>علیه السلام</small>	مساوی حرکت بر مدار نور و روشنایی است
امام علی <small>علیه السلام</small>	کسالت زدا است
پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	شرف و جوهر مردان و زنان است
پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	با پشتکار معنا پیدا می کند



شکل ۱: محورهای کار ارزشی (کار با رویکرد کارآفرینی) در احادیث

یکی از جلوه‌های مهم خداپسندانه کارآفرینی آن است که فرد بتواند خدمت یا ارزشی را به دیگران عرضه کند. در واقع هرچه مردم احساس نیاز بیشتری به محصول یا خدمات یک کارآفرین داشته باشند، پاداش درونی وی در قبال ارائه این خدمت بیشتر خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت که اگر قصد کارآفرین، تلاش برای ارتقای سطح زندگی افراد جامعه باشد، در این صورت او یک کارآفرین موفق است (خنیفر، ۱۳۹۱: ۳۱). کارآفرینان ارزشی، تلاش اقتصادی را یک کار عبادی تلقی می‌کنند و حدیث «کسی که با دست خویش کسب و کار راه بیاندازد دوست نزدیک خداوند است»^۱ را هیچگاه از خاطر خود دور نمی‌سازند (خنیفر، ۱۳۹۱: ۳۳). اصولاً، اسلام کار کاذب یا کسب درآمد بدون انجام کار مفید را طرد می‌کند. در این رابطه

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الكاسب من يده خلیل الله.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

من هیچ خوش ندارم آسیابی را اجاره کنم و همان آسیاب را با قیمت بیشتر به دیگری اجاره دهم بی آن که در این میان لااقل ضمانتی بر عهده گرفته، یا در آن آسیاب کار تازه ای انجام داده و آن را مجهزتر کرده باشم (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ۲۵).

چنان چه کارآفرینی را کار معطوف به ارزش آفرینی اجتماعی بدانیم، این عامل، یکی از محورهای شش گانه محك زدن دین و ایمان هر فرد شمرده شده است. امام علی علیه السلام در این رابطه می فرمایند:

به وسیله شش مؤلفه دین انسان محك زده می شود که کسب و کار و طلب روزی و عمل شایسته دور از افراط، از مهم ترین آنها است (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۱).^۱

عصاره اهمیت کار ارزشی را می توان در آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يَرَى»؛ و برای انسان سود و منفعتی نیست مگر آنچه که در پرتو کار و تلاش به دست آورد (نجم: ۳۹)، مشاهده کرد. اهمیت کار ارزشی به حدی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

مَنْ أَكَلَ مِنْ كَذِّبَةٍ مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ؛

کسی که از دسترنج خویش بخورد، از صراط چون برق درخشان بگذرد (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ۲۳).

یکی از مهم ترین مباحث در توسعه کارآفرینی، عامل انسانی است. در خصوص ویژگی های عامل انسانی مطالعات گسترده ای توسط صاحب نظران مختلف انجام شده است. لیتونن (۲۰۰۷)،^۲ از شاخص هایی نظیر نوآوری، خطرپذیری، دارا بودن دانش در حوزه فنون کار، مهارت های مدیریت کسب و کار، توانایی همکاری، برداشت خوب نسبت به کسب و کار و توانایی کشف فرصت نام می برد. اسمیت و پترسون (۲۰۰۶)،^۳ بر ارزش آفرینی برای جامعه، توفیق طلبی و ثروت اندوزی تاکید نموده اند. فکور و انصاری (۱۳۸۸) نیز بر پاسخگو بودن در قبال نیاز جامعه، تمایل به رقابت، انگیزه بالا، توانایی دسترسی به منابع اشاره کرده اند. هم چنین در مطالعات تطبیقی از کارآفرینی، احمدپور داریانی، هفت ویژگی مشترك کارآفرینان را

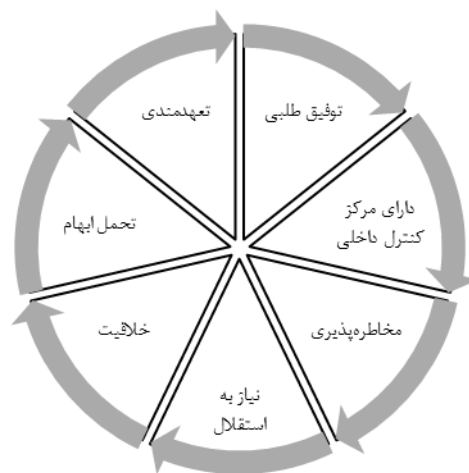
۱. قال علی علیه السلام: ستة يختبر بها دين الرجل الى ان قال و الاجمال في الطلب.

2. Littunen

3. Smith & Petersen

این چنین معرفی می کند:

۱. نیاز به توفیق (توفیق طلبی): تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت های رقابتی؛
۲. مرکز کنترل داخلی: مرتبط دانستن موفقیت ها و شکست ها به ویژگی ها و توانمندی های داخلی خود فرد کارآفرین؛
۳. مخاطره پذیری: پذیرش مخاطره های معتدل که می توانند از طریق تلاش های شخصی مهار شوند؛
۴. نیاز به استقلال: انجام کارها به شیوه خود به صورت مستقل؛
۵. خلاقیت: توانایی خلق ایده های جدیدی که ممکن است به محصولات جدید نیز منجر شوند؛
۶. تحمل ابهام: پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی و تلاش برای مواجهه با آن؛
۷. تعهدمندی: پُرانرژی، با انگیزه و متعهد در تحقق اهداف (احمدپور داریانی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۹).



شکل ۲: ویژگی های مشترک کارآفرینان (احمدپور داریانی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۹)

۲. مواجهه نظام مند با آینده

نحوه مواجهه با آینده، ممکن است در پیوستاری از مواجهه انفعالی تا مواجهه فوق فعال صورت پذیرد:

الف) انفعال در برابر آینده: در این رویکرد، آینده به سرعت فرا می‌رسد و سپس سیستم اجتماعی اقدام‌کننده، تصمیم می‌گیرد که چگونه به آن واکنش نشان دهد.

ب) رویکرد هم‌نوا: در این رویکرد، آینده طبق قواعد خود فرا می‌رسد و سیستم اقدام‌کننده سعی می‌کند تا با کمترین حد مخاطره‌پذیری، به بیشترین سطح تطبیق دست زده و با بازیگران فعال هم‌نوا شود.

ج) رویکرد فعال: در این رویکرد، آینده براساس بازی بازیگران متعدد فعال در چارچوب قواعد تعریف شده شکل می‌گیرد، بنابراین سیستم اقدام‌کننده تلاش می‌کند تا با بازی بهتر، سهم خود را ضمن رعایت قواعد بازی، افزایش دهد.

د) رویکرد فوق‌فعال: در این رویکرد، سیستم مورد نظر تلاش می‌کند تا با مذاقه بر جوانب امر، مهم‌ترین قواعد حرکت به آینده را بر اساس ارزش‌های خود شناسایی کرده، آنها را به نفع خود و جامعه بازپردازی نماید و به سیستم‌های دیگر ارائه کند.

ه) رویکرد آشفته: در این رویکرد نیز سیستم اقدام‌کننده تلاش می‌کند تا قواعد حرکت به آینده را با توجه به اندیشه‌های خود بازپردازی نماید، ولی به لحاظ عدم آشنایی کامل با قواعد مربوط، گاهی فوق‌فعال عمل می‌کند و گاهی فعال. در حالی که به لحاظ سوءتدبیر، در اغلب مواقع برآیند اقدام آن، هم‌نوایی یا انفعال در برابر عوامل محیطی آینده است (پورعزت، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۰).

در واقع آینده‌سازی با رویکرد فوق‌فعال بر منسجم کردن برنامه‌ها و تلاش برای رسیدن جامعه به شرایط آرمانی و مطلوب متمرکز می‌گردد. آینده‌سازی به معنای پیش‌قدمی در جهت مدیریت نظام‌مند آینده برای ایجاد جامعه‌ای مطلوب است. برای محقق ساختن «آینده مطلوب»، باید «ظرفیت‌سازی» به عنوان گام نخست در مسیر ساختن آینده در نظر گرفته شود. اگر ظرفیت لازم برای تحول به وجود آید، در آن صورت می‌توان آینده را ساخت (بهروزی لک و باقرزاده، ۱۳۹۴).

آینده‌سازی در حوزه مهدویت، می‌تواند محدوده بسیار وسیعی از جنبه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی را پوشش داده و در معرض برنامه‌ریزی و مدیریت نظام‌مند قرار دهد. برنامه‌ریزی‌هایی هم‌چون:

الف) آماده‌سازی جامعه برای رویارویی با آینده: با استفاده از تصویرپردازی حوادث قابل تحقق و ظرفیت‌سازی آنها، می‌توانیم خود و دیگران را برای آینده مطلوب مجهز و تحقق آن را مدیریت کنیم. در این حالت می‌توانیم فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی کرده و برای به دست

آوردن آنها برنامه‌ریزی و ظرفیت‌سازی کنیم.

ب) ترسیم و شبیه‌سازی، نمایی کلی از آینده در زمان حال: با استفاده از آینده‌نگاری موعود، می‌توانیم بذر تحولات آینده را در زمان حال شناسایی کرده، نقش خود و جامعه را در آن بستر برویانییم.

ج) خودباوری و اعتماد: بعد از ترسیم و ادراک صحیح فرایند آینده مطلوب، به دلیل این‌که گستره وسیعی از حوادث و اتفاقات در آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌توانیم نسبت به آنها اقدامات لازم را مهیا ساخته و به صورت فوق‌فعال با خودباوری و اعتماد، به سمت آینده مطلوب پیش برویم.

د) کسب موقعیت برتر و اقتدارآفرین: آینده‌سازی با رویکرد نگاه به آینده مطلوب، در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است؛ یعنی ما به منظور مدیریت نظام‌مند آینده، در حال حاضر تصمیم می‌گیریم و موقعیت‌های برترآفرین خود را ترسیم می‌کنیم. از این رو دانش و بینشی که از آینده‌سازی مطلوب دریافت می‌کنیم، ما را در کسب موقعیت برتر و در عرصه دفع تهدیدات یاری می‌کند (فیروزآبادی، ۱۳۸۶).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آینده‌سازی با نگاه به آینده‌های مطلوب، دستیابی به دیدگاه مشترک و اجماع در این خصوص است. با توجه به اهداف و سیره امام، یاران او و دولت کریمه حضرت در عصر ظهور، می‌توان اهداف، راهبردها، سیاست‌ها و راهکارها را به دست آورد و در برخورد با حوادث، رخدادهای جهانی، تعارض‌ها و تزاخم‌های پیش‌آمده، با تکیه بر منابع غنی شیعه و اجتهاد پویای آن، اولویت‌ها را در نظر گرفت.

انتظار، زیباترین و کامل‌ترین جلوه‌ بندگی خداوند است و بدین جهت بهترین اعمال و با فضیلت‌ترین عبادات شمرده شده است (خادمی شیرازی، ۱۳۶۵: ۲۱۹). اما این انتظار بدون اتخاذ رویکرد فوق‌فعال، ما را به دوران ظهور و استقرار حکومت موعود علیه السلام رهنمون نخواهد ساخت. در حالی که تفکرات و تئوری‌های خیال‌پردازانه مکاتب انسان‌محور، تفکرات آرماگدونی، تفکرات جبرگرائی و... بر اندیشه طراحی آینده شکل می‌گیرد (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰) و قدرت‌های رسانه‌ای و استکباری جهان با اطلاع‌رسانی جهت‌دار، افکار عمومی جهانیان را در چارچوب اهداف خاص هدایت می‌کنند (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۵)، غیرفعال بودن در برابر این اندیشه‌ها و جریان‌ها را می‌توان در شمار عوامل تأخیردهنده ظهور محسوب نمود. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

لَيَعِدَنَّ أَحَدُكُمْ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۶۶)؛

هر یک از شما باید خود را برای ظهور حضرت قائم آماده کند، اگرچه با فراهم کردن یک تیر.

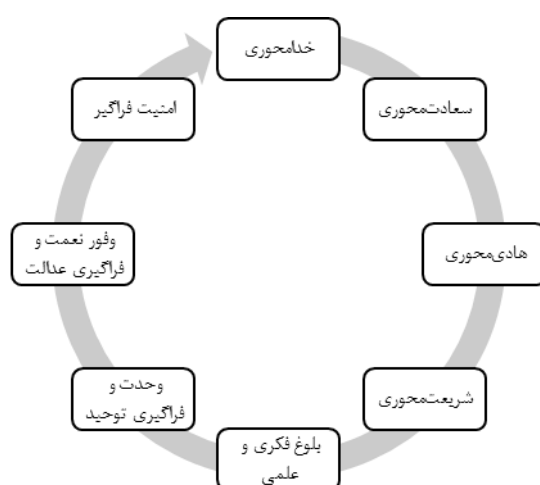
با چنین میزان تأکید بر مقوله ظهور، چگونه می‌توان آمادگی لازم در تمام جنبه‌های آن را کسب نمود و نسبت به آن بی‌تفاوت بود؟

جامعه مهدوی

اصولاً، اعتقاد به آخرالزمان و انتظار ظهور منجی جهان (فوتوریسم)، از مسائلی است که در تمام مذاهب و ادیان - به رغم اختلاف در بعضی مصداق‌ها - مورد بحث قرار گرفته و همه در آن مشترکند (گودرزی، ۱۳۸۹ ب: ۸۹). البته، در هیچ دین و مذهبی به اندازه تشیع دقیق، عمیق، شفاف و مطمئن از منجی موعود سخن گفته نشده است (مظاهری سیف، ۱۳۸۷). در جامعه مورد نظر مهدوی، احکام الهی و قرآن، محور و مبنای تمامی اندیشه‌ها و قابلیت‌ها است (قاسمی، ۱۳۸۹)، اما در عین حال برای ظهور و بروز استعدادهای انسان می‌باید فکر و اندیشه پا به مرحله عمل بگذارد و کار و کوشش، اجرایی شدن این تفکر را فراهم نماید (خنیفر، ۱۳۹۱: ۱). زندگی انسان در جامعه مهدوی، ماهیتی حقیقی و معنوی خواهد داشت. در این جامعه ظلم میدان پیدا نمی‌کند، هرچند افراد معصوم نیستند اما میدان گناه کوچک می‌شود و زمینه بروز پیدا نمی‌کند. هیچ حرکتی از چشم امام دور نمانده و حتی ایشان نیازی به مشاهده ندارند و با علم الهی و حکمت حضرت داوود علیه السلام رفتار می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۹ ب: ۱۱۲-۱۱۳). رشد معنویت و اخلاق در جامعه مهدوی موجب رشد و تعالی خواسته‌های انسان خواهد بود. از ویژگی‌های مهم این جامعه، اقبال مردم جهان به خصوص مسیحیان و یهودیان به اسلام است (قندوزی، ۱۴۱۸ ق: ۴۲۲). زدودن ناخالصی‌ها و خرافات از چهره اسلام و ارائه کامل اسلام ناب از عوامل گرایش مردم به دین اسلام خواهد بود. در آن دوران، حضرت مهدی علیه السلام چنان به دین عمل می‌کنند و مردم را به آن فرا می‌خوانند که گویا دین تازه‌ای آورده‌اند (حکیمی، ۱۳۷۴ ش: ۲۵۳). انقلاب فراگیر امام انقلابی است که مردم جهان در انتظار آن هستند و از آن استقبال می‌کنند، مگر اندکی که مخالف آن هستند و آنها نیز در سیل انقلاب آن حضرت محو می‌شوند (۱۴۱۳ ق: ج ۲، ۳۸۱). البته جامعه منتظر در صورتی می‌تواند در ترسیم وضعیت آینده جهان، جامعه‌ای با کیفیت و اثرگذار و الگویی برای دیگر ملت‌ها باشد که بر اصول و آرمان‌های خود پافشاری کند و بایسته‌های «جامعه آرمانی دین» (مهدویت) را سرلوحه فعالیت خود در همه عرصه‌ها؛ اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دهد. تبیین کاربردهای

جامعه آرمانی دین (مهدویت) و بومی‌سازی آن در متن جامعه منتظر؛ می‌تواند برای برنامه‌ریزی و حرکت به سوی ساختن آینده‌ای درخشان و در نهایت زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه گام مؤثری باشد (بهروزی لک و باقرزاده، ۱۳۹۴).

براساس منابع دینی معتبر، شاخص‌های مختلفی را برای جامعه مهدوی می‌توان در نظر گرفت که هشت مورد از این شاخص‌های بنیادین در شکل شماره ۳ ارائه شده است (بهروزی لک، ۱۳۹۱).



شکل ۳: شاخص‌های بنیادین جامعه مهدوی (بهروزی لک، ۱۳۹۱)

جامعه منتظر

جامعه منتظر که جامعه‌ای زمینه‌ساز ظهور است، باید همه فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را براساس آموزه مهدویت طراحی و با تلاش‌های مضاعف خود در این جهت پذیرای حکومت عدل جهانی کند (نهایزی، ۱۳۹۰). گستره اتفاقات در دوران ظهور بسیار گسترده بوده و عمق آن نیز با تأثیر بر تمام زوایای زندگی بشر، حرکت و جریان جهانی را سبب می‌گردد (همایون، ۱۳۹۰: ۵۸). از این رو نگرش ما در تحلیل مباحث در دوران بعد از ظهور، حین ظهور و دوران غیبت باید با سطوح بررسی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

اَسْتَنْظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ اِسْتِظَارَ الْفَرَجِ؛

در انتظار فرج باشید و از کارگشایی خدا ناامید نشوید؛ زیرا بهترین اعمال در نزد خدای بزرگ انتظار فرج است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۶).

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ؛

انتظار فرج همراه با شکیبایی عبادت است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۱۴۵).

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای در خصوص انتظار فرج می فرمایند:

مسلمان با درس انتظار، فرج می آموزد و تعلیم می گیرد که هیچ بن بست در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی شود کرد، نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بست های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است، این، درس امید به همه انسان ها است. این درس انتظار واقعی به همه انسان ها است. لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند، معلوم می شود انتظار یک عمل است، بی عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده سازی است. یک تقویت انگیزه در دل و درون است. یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه ها (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

اصولاً، کارکردهای تفکر آینده نگر در جامعه منتظر در حوزه مهدویت را می توان در موارد ذیل برشمرد (فیروزآبادی، ۱۳۸۶):

- آماده سازی جامعه در برابر آینده؛
- ترسیم و شبیه سازی نمایی کلی از آینده در حال ظهور؛
- دریافت و درک زودهنگام هشدارها؛
- اعطای خودباوری و اعتماد؛
- کسب موقعیت برتر و اقتدار آفرین؛
- ایجاد تعادل فی مابین رویدادها و اهداف؛
- کسب اطلاعات نسبت به نیروهای مؤثر و ظرفیت ساز؛
- مدیریت و کنترل راهبردی سطح تغییرات.

بحث و بررسی

مهم‌ترین دیدگاه بدیل در برابر جامعه مهدوی، تفکر جهانی شدن است. تفکر جهانی شدن که حیطه مطلوبیت اقتصادی پیشران حرکت آن در مسیر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آینده است، دکترین حرکت غرب در جریان حرکت به سمت آینده مطلوب محسوب می‌گردد. اگر این فرآیند از هم‌اکنون آغاز شده تلقی گردد باید دید که تا به امروز این تفکر چه ارمغانی برای بشریت به دنبال داشته و آیا شکاف نابرابری‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی را بین جوامع کاهش داده است؟ آیا روندهای آن بشارتگر تحقق جهانی رفاه و دستیابی به چشم‌انداز ایجاد تعادل در توزیع فرصت‌ها و موقعیت‌ها می‌باشد؟ یک ارزیابی ساده از شاخص‌های جهانی اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که جهانی شدن چنین پیامدی را به دنبال نداشته و سمت و سوی حرکت نیز در این مسیر نیست. این تفکر در وضع موجود، انباشت بیشتر ثروت در کشورهای ثروتمند و فقیرتر شدن کشورهای محروم و کم‌برخوردار را رقم زده است. جهانی شدن، که با تفکر موجود باید به آن جهانی‌سازی گفت حرکت در مسیر قواعد استثمار و افزایش شکاف بین وضع موجود و مطلوب است چرا که اراده و قواعد جهانی شدن معطوف به انتفاع قاعده‌سازان این تفکر است.

اما در خصوص جامعه مهدوی یکی از نقدهایی که مطرح می‌شود ظرفیت و میزان آمادگی انسان‌ها است. واقعیت آن است که شاخص‌های بنیادین جامعه مهدوی در جامعه منتظر نیز می‌تواند تسری یابد و به جهت محدودیت ظرفیت‌ها، صرفاً امکان بروز شکل مطلق آنها وجود ندارد. این محدودیت نیز نباید مانعی برای اتخاذ جهت‌گیری مناسب و صحیح برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب باشد.

هرچند امکان رسیدن به فضای آرمانی جامعه مهدوی جز در حکومت حضرت مهدی علیه السلام میسر نیست، جامعه زمینه‌ساز ظهور باید در مسیری حرکت کند که بیشترین نزدیکی و زمینه‌سازی را برای ظهور آن حضرت فراهم آورد. لازم به ذکر است که در بین نظریه‌های مطرح پیرامون حکومت اسلامی و نظام جامعه در عصر غیبت در اندیشه سیاسی اسلام و تشیع، نظریه حکومت و ولایت فقیه از اکثریت و قوت بیشتری برخوردار است (گودرزی، ۱۳۸۹ الف: ۲۲۳). این امر می‌تواند در بهبود جهت‌گیری‌های راهبردی به سمت جامعه مهدوی مؤثر باشد. در مقوله کارآفرینی، تمرکز اصلی بر کار ارزشی است. در نظام اسلامی، کار ماهیتی کیفی دارد و اراده انسان مسلمان به او توانایی انجام کارهای به ظاهر ناممکن را می‌دهد. از این رو با کاربری کارآفرینی، انسان به توانایی‌های خود ایمان آورده و با عزمی قاطع در جهت پیشرفت گام

برمی دارد (ولایی، ۱۳۷۸: ۱).

یکی دیگر از مهم‌ترین عناصر مشترك در حوزه اجتماعی - اقتصادی، عوامل ارزشی است. کارکرد این عوامل به گونه‌ای است که انگیزه‌های معنوی و عوامل ارزشی را عامل جلوگیری از طغیان انگیزه‌های مادی مرتبط با حوزه اقتصاد و کار می‌دانند (روستا، ۱۳۷۵: ۶۳). دین در جامعه اسلامی ما نقشی فراگیر و چندبُعدی دارد. علامه طباطبائی می‌فرماید:

اصولاً دین اسلام که از ناموس آفرینش الهام می‌گیرد و آئینی فطری دارد، در تمام شؤون خود به جامعه عنایت می‌کند و اساس آیین خود را جامعه و عوامل مؤثر بر آن قرار می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۲۴).

پیشرفت در نظام اخلاقی اسلامی با سایر نظام‌های اخلاقی تفاوت دارد. در سراسر تمدن، اصول اخلاقی نظام‌های غیردینی، کوتاه‌مدت و ناپایدارند، چرا که مبتنی بر ارزش‌های بنیان‌گذاران‌شان بوده‌اند (بیکن^۱ به نقل از بداوی، ۱۳۸۹: ۱۹). اصولاً نگاه آینده‌گر نظام‌های اخلاقی در اقتصاد اجتماعی را می‌توان به شش گروه اصلی تقسیم نمود (جدول شماره ۲).

جدول ۲: شش نظام اصلی اخلاقی در حوزه اقتصاد اجتماعی و ارزش‌ها (بیکن، ۱۳۸۹: ۲۰)

نظام‌های اخلاقی	معیارهای تصمیم‌گیری
نسبی‌گرایی ^۱ (منفعت شخصی)	تصمیمات اخلاقی بر مبنای منافع و نیازهای شخصی اتخاذ می‌شوند.
فایده‌گرایی ^۲ (محاسبه هزینه و فایده)	تصمیمات اخلاقی بر پایه نتایج حاصله از این تصمیمات اخذ می‌شوند. عملی اخلاقی است که نتایج آن برای بیشترین افراد حداکثر فایده را داشته باشد.
عام‌گرایی ^۳ (تکلیف)	تصمیمات اخلاقی بر تمایل و نیت تصمیم یا عمل تاکید دارد. در شرایط مشابه هر شخص باید به تصمیم مشابهی برسد.
حقوق ^۴ (حقوق فردی)	تصمیمات اخلاقی بر یگانگی ارزش آزادی تاکید دارد و مبتنی بر آن دسته از حقوق فردی است که از آزادی انتخاب اطمینان حاصل می‌نمایند.
قانون جاودانی ^۵	تصمیمات اخلاقی مبتنی بر قانون جاودانی برگرفته از تورات و انجیل می‌باشد.
عدالت توزیعی ^۸	تصمیمات اخلاقی بر یگانگی ارزش عدالت تاکید دارد و می‌بایست اطمینان دهد که

1. Beekun
2. Badawi
3. Relativism
4. Utilitarianism
5. Universalism
6. Rights
7. Eternal Law
8. Distributive Justice

کنش‌های کارآفرینانه در نظام اخلاقی عدالت‌خواه اسلامی به چشم‌انداز گره‌گشایی و کارگشایی اجتماعی، اقدام‌های داوطلبانه و با نیت اجتماعی و خیرخواهانه نظر دارد. بر این اساس و مطابق شاخص‌های بنیادین هشت‌گانه جامعه مهدوی، ویژگی‌های هر یک از این شاخص‌ها به شرح زیر خواهد بود:

خدامحوری: کل نظام هستی منشعب از وجود هستی محض و یکتایی الهی است که ضرورت وجود او از ناحیه خود اوست (هاشمیان و خلیلی، ۱۳۹۲). در جامعه مهدوی، تجلی اراده خداوند به وضوح در جامعه دیده می‌شود «و یَعْبُدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نوح: ۵۵). منظور از خدامحوری صرفاً باور به وجود آفریننده‌ای برای جهان هستی نیست؛ زیرا هر چند باور به آفریننده و نیز آفریده شدن این جهان و به عبارت دیگر، آنچه از آن به «توحید در خالقیت» یاد می‌کنیم امری لازم است اما کافی نیست؛ چه مشرکان نیز چنین باوری داشتند: «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ» (زخرف: ۹). بنابراین مراد از خدامحوری، باور به حاکمیت اراده خداوند بر همه عالم است. این‌که هیچ اراده‌ای جز اراده او موثر بالذات نیست. این به معنای باور به توحید افعالی یا همان خداشناسی حقیقی است: «فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا فِتْمَمَ وَجْهِ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵) و هم‌چنین آیه شریفه «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید: ۴) که آشکارا هر نقطه‌ای را که خدا در آن تجلی نکرده باشد رد می‌کند (روشن‌ضمیر و فیروزی، ۱۳۹۳). اگر این مفهوم حقیقی خداشناسی در فعالیت‌های فرهنگی و عبادی شخصی و اجتماعی مدنظر قرار نگیرد همه فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های فرهنگی به پوچی می‌گراید (طاهرزاده، ۱۳۸۸: ۲۵۸-۲۶۰).

سعادت‌محوری: سعادت موهبتی است که با هدف خلقت و کمال نهائی انسان هماهنگی داشته و رسیدن به کمال و نقطه‌ای درونی و پایدار از آرامش قلبی را حکایت می‌کند. حقیقت سعادت رسیدن انسان است به هدف نهایی و کمال واقعی خودش که عبارت است از قرب الی‌الله و یا به تعبیر ارسطو خیر مطلق، زیرا کمال و خیر مطلق غیر از ذات مقدس الهی وجود ندارد. انسان در جامعه مهدوی ظرفیت این را می‌یابد در جوار ذات الهی منتعم به نعمت‌هایی شود که هیچ‌گوشی نشنیده و هیچ‌چشمی ندیده و بردل هیچ‌کسی خطور نکرده است. آنچه در جهان منتظر رخ می‌دهد سعادت‌نسبی است. این همان خیر مضاف یا خیر نسبی است که در کلمات فلاسفه آمده است و ارسطو آنها را برمی‌شمارد، مانند علم، معرفت، داشتن اعوان و انصار، مال حلال، فرزندان صالح و همسر خوب که انسان را در امور دنیا و آخرت یاری

می‌رساند. ضمن این‌که رسیدن به سعادت نه تنها ذاتی انسان نیست، بلکه امری است اختیاری و باید هر کسی با اعمال اختیاری به طور آگاهانه و بر اساس انتخاب راه صحیح آن را به دست آورد (یعقوبی، ۱۳۸۷). در جامعه مهدوی سطح مراتب سعادت نسبت به جامعه منتظر بیشتر است که این به دلیل کامل‌تر، شدیدتر و عمق یافتن ادارک و شهود است (محمدرضایی و الیاسی، ۱۳۸۷). همان‌گونه که مطرح شد، نکته اساسی در بحث سعادت در جامعه مهدوی، اهمیت اراده است. اراده شرط لازم سعادت است، نه شرط کافی، ضمن این‌که در میان قوای نفس، تنها قوه ناطقه نظری قدرت درک معنای سعادت را دارد و بسان فطرت مشترک میان انسان‌ها علت معده برای تحقق سعادت است و امری اجبارآفرین نیست. بدین جهت سعادت امری اتفاقی نیست، بلکه تحقق آن به برنامه‌ریزی نیاز دارد و در نهایت سعادت امری ذومراتب است که بالاترین درجه آن قرب وجودی به خداوند است (خادمی، ۱۳۸۷).

هادی محوری (امام محوری): حجت بالغه از آن خداوند است. خداوند با اعطای عقل و بعثت انبیاء و فرستادن کتاب‌های آسمانی و تعیین وصی برای انبیاء، حجت را در تمام اعصار بر مردم تمام کرده است و با همین حجت‌ها با بندگان احتجاج و به حساب آنان رسیدگی می‌کند (محدثی، ۱۳۸۶). به فرموده امام صادق علیه السلام:

إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ عَلَى النَّاسِ بِمَا آتَاهُمْ وَعَرَّفَهُمْ (ری شهری، ۱۳۸۳: ج ۲، ۵۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۶۲).

نقص فکری حاکم بر نوع بشر در جامعه قبل از ظهور، لزوم وجود راهنما و راهنمایی‌هایی فراتر از شناخت متعارف را ایجاد می‌کند. این‌که ائمه معصومین علیهم السلام محور و مدار و مرجع و معیار دین راستین و جلوه روشن حق‌اند، به تعبیر مختلف بیان شده است. امام هادی علیه السلام در سخنی فرموده است:

نَحْنُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي لَا تَنْفَعُ (مفید، بی تا، ۹۴)؛
مائیم آن‌که کلمات پایان‌ناپذیر الهی.

و امام عسکری علیه السلام نیز فرموده‌اند:

نَحْنُ كَهْفٌ لِمَنْ التَّجَاءَ إِلَيْنَا وَنُورٌ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا وَعِصْمَةٌ لِمَنْ اعْتَصَمَ بِنَا (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵: ج ۳، ۵۳۵)؛

هرکس به ما پناه آورد، ما برای او پناهیم، هرکس در پی فروغ گرفتن از ما باشد، ما برای او نور و روشنائی هستیم، هرکس به سبب ما در پی مصونیت و معصومیت از خطا و بیراهه باشد، ما برای او عصمت و نگه‌دارنده‌ایم.

شریعت محوری: برای تحقق سعادت، چارچوب و راهنمای تفکر برای تصمیم و اقدام نیاز است. شریعت اصول و محتوای بایدها و نبایدهای حرکت را مشخص می‌کند. شریعت، مکانیزم‌ها و الگوهای تقرب به خداوند و قواعد و ضوابط رفتاری که انسان را در مسیر حق ثابت قدم می‌نماید، تعیین می‌کند.

بلوغ فکری و علمی: این بینش جزو تجلیات سعادت بشری است. در واقع بشر در این مقطع به کمال نهایی خود (تقرب به خدا) دست می‌یابد و این تنها در سایه معنویت‌گرایی و رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها و تزکیه و تهذیب و تعلیم آنان محقق می‌گردد (کارگر، ۱۳۸۹: ۵۵). در این رابطه به نظر شهید مطهری، عبارتی «به رمز» گفته شده است و می‌فرماید: «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاق‌شان را به کمال می‌رساند». جامعه مهدوی مبتنی بر عالی‌ترین اندیشه‌های عاقلانه است، چرا که در آن دولت مبارک است که عقول بشری به کامل‌ترین وجه ممکن رشد خواهد کرد (سلیمیان، ۱۳۸۵: ۲۷۵).

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

دانش، بیست و هفت بخش است و همه آنچه را که رسولان الهی آورده‌اند دو بخش از آنها بود، پس مردم تا امروز این دو بخش را نشناخته‌اند ولی چون قائم ما قیام کند، بیست و پنج بخش را بیرون آورده و آشکار خواهد ساخت و در میان مردم منتشر خواهد فرمود و آن دو بخش را هم ضمیمه می‌گرداند و در نتیجه بیست و هفت بخش علم در میان مردم منتشر و پراکنده خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳۶).

حکومت مهدوی، حکومت فکر و عقل، در هدایت و رهبری است (طالقانی، ۱۳۶۰: ۹۷). دانش در دولت مهدوی در کل جامعه بشری گسترش می‌یابد و هرگز در انحصار عده‌ای خاص نخواهد بود؛ از این رو همگان از دانشی بس ارجمند برخوردار خواهند بود و البته از این دانش نیز در راه رشد و تعالی جامعه بشری استفاده خواهد شد؛ نه در راه ستم و تعدی به دیگران (سلیمیان، ۱۳۸۵: ۲۷۵). رشد توأم و همه‌جانبه فکری و اخلاقی انسان‌ها با تزکیه و تهذیب نیازی پایدار است. بلوغ تدریجی و روزافزون فکری، عمق رفتارهای خیرخواهانه و داوطلبانه در جهت انتفاع اجتماعی را بیشتر می‌نماید.

وحدت و فراگیری توحید: وقتی جامعه به رشد فکری رسید، تکثر معنای خود را از دست می‌دهد. این ویژگی منحصر به یک قوم، گروه، کشور، نژاد و زبان نیست و تأمین‌کننده رستگاری و شادکامی همگان است (کارگر، ۱۳۸۹: ۵۳). امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

موقعی که قائم ما قیام کرد، خداوند به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان، چنان قدرت و توانائی می‌بخشد که میان آنان و حضرت مهدی علیه السلام پیکی نخواهد بود، آنان از راه دور با او صحبت می‌کنند و صدایش را کاملاً می‌شنوند و او را در هر کجا باشد، مشاهده می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۰).

در واقع وحدت نتیجه ارتقای بینش انسان و حذف تدریجی تفاوت‌ها و حرکت از نگاهی جزءنگر به سمت نگاهی کل‌نگر است.

وفور نعمت و استقرار عدالت: عدالت؛ به معنای برقراری مساوات و برابری، تقسیم عادلانه ثروت و نعمت، رفع ظلم و ستم و برپایی آئین دادگری و حق‌گرایی، ایجاد تعادل در همه امور (به خصوص رفتارها و پندارهای انسان‌ها) و قرار دادن هر چیز و هر کس در جای مناسب خود است (کارگر، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴). به واقع در جامعه موعود توزیع نظام فرصت و ثروت به صورت عادلانه و با طرد هرگونه نابرابری است. اقتصاد جهان نیز در دوران بعد از ظهور دگرگون می‌شود. فقر از جهان برچیده می‌شود و خواسته‌های انسان بیشتر فرامادی شده و نیازهای او تغییر ماهیت می‌دهد. انسان از ثروت‌اندوزی دل می‌کند، از این رو همه مردم به سطحی از زندگی که معاش خود را تحصیل کنند، خواهند رسید (حسنلو، ۱۳۸۷). «در آن دوران، امت چنان از فراخی معیشت برخوردار می‌شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایشی دیده نشده است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۱۰۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۳). یکی از علل فقر، انحصار ثروت در دست عده‌ای خاص است، مردم در این دوران به بینش لازم برای عدم تمرکز و انحصار ثروت خواهند رسید. اصولاً، ثروت‌اندوزی انسان و علاقه به انباشت نقدینگی و تصاحب املاک، آرزو و حرص به دارایی و علایقی از این قبیل، از مشکل معرفتی انسان ناشی می‌شود که اگر این مشکل حل شود، بسیاری از بحران‌های اقتصادی و فقر طبقاتی از جامعه ریشه‌کن خواهد شد. نبود برنامه تربیتی و معرفتی، انسان را از مسیر انسانیت به مسیر مادی سوق می‌دهد اما وقتی برای تربیت انسان و بیدار کردن وجدان و فطرت الهی وی برنامه‌ای وجود داشته باشد، این مشکل رفع خواهد شد (حسنلو، ۱۳۸۷). علاوه بر این، براساس روایات معتبر، زمین گنج‌های پنهانی خود اعم از معادن و محصولات کشاورزی را در جامعه مهدوی و زیر سایه حکومت آن حضرت بیرون خواهد ریخت. سازگاری این روایات با آیات قرآن نیز مشخص و چشمگیر است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

اگر اهل آبادی‌ها به خداوند ایمان بیاورند، درهای رحمت و نعمت‌های الهی از آسمان و زمین به روی آنها گشوده خواهد شد (اعراف: ۶۹).

در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام، اوج ایمان انسان به خداوند شروع می‌شود «مردم در سایه حکومت مهدوی، بی‌نیاز می‌شوند، با روزی‌های خداوند و برکات او...» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ۴۸۲). در آن روزگار برکات از آسمان و زمین فرو می‌بارد و زمین با بهترین روئیدنی‌هایش گلباران می‌شود و همه ثمراتش و انواع گیاهان خوشبویش را خارج می‌کند (همان: ۴۷۲).

امنیت فراگیر: در این دوران منازعات و ستیزش‌های مستمر به پایان خواهد رسید و پیروزی از آن حق‌گرایان و صلح‌طلبان خواهد گردید (کارگر، ۱۳۸۹: ۵۸). در این خصوص مطرح است که «در آن روز اختلاف‌های میان ملت‌ها و دین‌ها رفع می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۳، ۲). به عبارت دیگر، چون ستیز در تصاحب منافع وجود ندارد، زمینه بروز امنیت فراگیر در جامعه ایجاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

جهت‌گیری جامعه منتظر می‌باید همه‌جانبه، ملموس و در امتداد شاخص‌های جامعه مهدوی باشد. کارآفرینی، به جهت گستردگی تأثیر از کار ارزشی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ابزار مناسبی برای دست‌یابی به کمال مطلوب، پیشرفت و بالندگی جامعه منتظر در راستای جامعه مهدوی محسوب می‌گردد. بر این اساس، جهت‌گیری توسعه کارآفرینی در سطح فردی و ملی می‌باید چشم‌انداز سعادت بشریت را دنبال نموده و زمینه تفکرات و تحرکات اجتماعی منطبق با مبانی و محکّمات دینی و قانون اساسی باشد. این جهت‌گیری‌ها می‌باید ایجاد هویت و تعهد مشترک اجتماعی را قوام بخشیده و دنبال نماید. کارآفرینی به عنوان پیشران انتفاع اجتماعی می‌باید اولویت را به خدمت به انسان‌ها و کسب فضیلت داده و ضمن پیشگیری از عدم تقارن و نابرابری، استقرار عدالت توزیعی را در مقام فرصت و منفعت دنبال نماید. بر اساس مجموعه مباحث مطرح شده باید گفت که در جامعه منتظر هفت ویژگی اصلی کارآفرینی می‌باید در راستای هشت شاخص بنیادین جامعه مهدوی باشد که در ذیل ارائه تصویری از این وضعیت ارائه می‌گردد.

در جامعه منتظر، خداوند، محور انتظارات و ادراکات توفیق‌طلبی کار ارزشی کارآفرین است. به عبارتی آنچه از اثربخشی و کارآئی فعالیت‌های کارآفرین مورد انتظار وی است ریشه در رضایت الهی دارد. آثار چنین توصیفی از کارآفرینی آن را از سطح فردی و گروهی خارج نموده و خاصیتی فرابخشی به آن می‌دهد. حتی جستجوی احساس موفقیت در موقعیت‌های برتر و

وضعیت‌های رقابتی نیز برای کارآفرین معطوف به رشد و شکوفایی اجتماعی و رقابت در بهتر شدن در راه قرب الهی خواهد بود. کارآفرین ضمن پذیرش اراده الهی، منطق، تحلیل‌گری و پذیرش موارد عدم توفیق را داشته و به فرافکنی اسباب و عوامل موفقیت‌ها و شکست‌ها نمی‌پردازد. وی ضمن اتکال به مشیت الهی پذیرش‌گر مخاطره برای بهبود است، ضمن این که نهاد حاکمیت، حمایتی قانونی و نهاد اجتماعی، هدایت حرکت او برای تعدیل عدم قطعیت‌ها و ناکامی‌های احتمالی خواهند بود. در این جامعه سطح تعهد کارآفرین به پاسخگویی در قبال ذات باری تعالی برمی‌گردد. از این رو جنس تعهد، انرژی و انگیزه‌ای که در قبال این تعهد وجود دارد، به مراتب بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود.

کارآفرین موفقیت را نه در جایگاه‌های موقت و گذرای اقتصادی و احیاناً اجتماعی، که در سعادت دنیوی و اخروی می‌داند. جایگاهی که وی و جامعه را به آرامشی درونی و پایدار می‌رساند. وی سعادت را آرزوی می‌داند که به تلاش‌های کسب و کار وی ارزش و جهت می‌بخشد. کارآفرین، اعتقادی عمیق به توانمندی‌های خود دارد ضمن این که معتقد است سعادت مراتبی دارد که با توجه به ظرفیت‌های درونی و اقتضائات بیرونی، با توجه به توان مدیریتی و مهارتی خود می‌تواند به بخش قابل توجهی از آنها دست یابد. او می‌پذیرد که می‌باید با توانمندسازی، مرکز کنترل داخلی خود را تقویت نموده و مسئولیت پیامدها را بپذیرد. کارآفرین در مسیر درست به سمت موفقیت، حد معقولی از خطر را می‌پذیرد و به ظرفیت‌های مستقل خود برای ایجاد تحول در اقتصاد اجتماعی ایمان دارد. وی ایجاد ایده و کاربست آن در جهت ایجاد ارزش اجتماعی را در راستای سعادت بشری به کار می‌بندد و متعهدانه و با اراده‌ای قوی سعادت بشریت را هدف‌گذاری می‌نماید.

کارآفرین به این درک می‌رسد که صرف دانش فنی و مهارت وی برای حرکت به سمت ایده‌آل‌ها کفایت نمی‌کند. او می‌داند حرکت او به سمت سعادت نیازمند یک هادی است که علاوه بر عقل، قلب او را هدایت کند. شناخت متعارف وی را عمق ببخشد و زمینه هدایت او را میسر کند. اعتقاد کارآفرین به امام عصر خود، او را از انحراف به واسطه تکانه‌های ذهنی و محیطی و هم‌چنین شوک‌ها، نیروها و ناپایداری‌های احتمالی که وی و جامعه را تا چشم‌انداز جامعه مهدوی تهدید می‌کند، مصون می‌دارد.

در جامعه منتظر، تفاوت دیدگاه کارآفرینان بیشتر در سطوح تکنیکی و کیفیت حرکت در مسیر ایجاد ارزش‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر، به تدریج با بسط حداکثری وحدت و فراگیری توحید، جامعه کارآفرینان نیز از جزءنگری به کل‌نگری روی آورده و توفیقات جمعی را

جستجو می‌کنند. انسجام اجتماعی در جامعه منتظر افزایش یافته و این باعث می‌شود ویژگی‌هایی نظیر تعهد اجتماعی، ساختارهای پشتیبانی از مخاطره و خلاقیت‌های گروهی به صورت سیستمی به سمت هم‌گرایی و هم‌پایانی میل کند.

ساختار اقتصادی و بافتار اجتماعی - فرهنگی به واسطه در هم‌تنیدگی بیشتر جوامع، با نوع جدیدی از نیازها مواجه می‌شود که نقش کارآفرینان به عنوان عوامل کاهش عدم تعادل و نابرابری بروز می‌کند. کارآفرینان در این جامعه متفاوتند و این به علت درک بهتر شایستگی‌ها توسط آنها است، ولی در هر حال کارکرد این تفاوت و خروجی این شایستگی بیشتر، معطوف به کل جامعه می‌گردد. در این شرایط کارآفرینان به عنوان اشخاص حقیقی و حقوقی که ایجاد ارزش از طریق تولید ثروت و منفعت اجتماعی را بر عهده دارند، برگسترش عادلانه آن تأکید می‌نمایند.

امنیت، پشتوانه و پیشران کارآفرین در جهت به خدمت گرفتن ابزارهای مناسب برای رسیدن به سعادت است. با ایجاد ساختارهای امنیت‌بخش، کارآفرین می‌تواند در خود توانایی و ظرفیت تحمل ابهام را افزایش داده و شکوفایی هر چه بیشتر در مسیر سعادت را سبب شود. کارکرد امنیت در جامعه مهدوی دوگانه است به طوری که عملکرد کارآفرینی در این جامعه خود باعث تقویت و تحکیم ساختارهای امنیت‌بخش اقتصادی و اجتماعی می‌گردد.

در راستای نتایج برشمرده و به منظور ایجاد کانون‌های کارآفرینی در جامعه منتظر که پیشرانی جمعی حرکت به سمت جامعه مهدوی را میسر سازد، لازم است در جامعه فعال منتظر سازوکارهایی نیز پیش‌بینی شود:

- سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی با هدف‌گذاری جامعه مهدوی، براساس ارزش‌های دینی؛
- تدوین راهبردهای توسعه کارآفرینی با هدف‌گذاری جامعه مهدوی، به جای تمرکز و ترویج بر نسخه‌برداری راهبردهای مبتنی بر افزایش سود و سرمایه؛
- تقویت مباحث نظری و گفتمانی جامعه مهدوی و چگونگی عملیاتی ساختن آن در جامعه منتظر به صورت سیستمی.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، دوم.
۲. ابن شهر آشوب (۱۳۷۵ق)، *مناقب آل ابی طالب*، نجف اشرف، المطبعة الحیدریه.
۳. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۹۱)، *کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها)*، تهران، انتشارات جاجرمی، دهم.
۴. احمدپور داریانی، محمود؛ شیخان، ناهید؛ رضازاده، حجت‌اله (۱۳۸۶)، *تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، دوم.
۵. احمدپور داریانی، محمود؛ نصیری، محمدکاظم (۱۳۹۰)، *تئوری‌های کارآفرینی (نظام‌های اقتصادی و کارآفرینی)*، تهران، انتشارات اخلاص، اول.
۶. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۱)، *جزوه درسی بازنندیشی درآینده*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. بهروزی لک، غلامرضا؛ باقرزاده، ابراهیم (۱۳۹۴)، «*وجوه الگویی آرمان شهر مهدوی در جامعه امروز*»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، سال پانزدهم، شماره ۴۸.
۸. بیکن، رفیق عیسی (۱۳۸۹)، *اخلاق کسب و کار از دیدگاه اسلام*، ترجمه: هاشم نیکو مرام و مهدی معدنچی زاج، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، اول.
۹. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۰)، *مدیریت راهبردی عصرمدار*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۱۰. توسلی، غلام عباس (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی کار و شغل*، تهران، انتشارات سمت، یازدهم.
۱۱. حسنلو، امیرعلی (۱۳۸۷)، برگرفته از سایت راسخون به آدرس: <http://rasekhoon.net/article/show-1615.aspx>
۱۲. حکیمی، محمد (۱۳۷۴ش)، *عصرزندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۳. خادمی شیرازی، محمد (۱۳۶۵)، *یاد مهدی*، تهران، مؤسسه نشر و تبلیغ، اول.
۱۴. خادمی، عین الله (۱۳۸۷)، «تحلیل معنای سعادت از دیدگاه فارابی»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم*، سال دهم، شماره دوم.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، *تارنمای* <http://khamenei.ir>
۱۶. خانی جزنی، جمال (۱۳۹۰)، *توسعه و فرهنگ کارآفرینی*، قم، انتشارات کعبه دل و مرکز آموزش عالی رجاء، اول.
۱۷. خنیفر، حسین (۱۳۹۱)، *کارآفرینی ارزشی*، قم، انتشارات اکرام، چهارم.
۱۸. ربانی، رسول؛ انصاری، اسماعیل (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی کار و مشاغل: دیدگاه‌ها و نظریه‌ها*، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، اول.
۱۹. روستا، احمد (۱۳۷۵)، *بهره‌وری مدیریت و مدیریت بهره‌وری*، مندرج در: *مجموعه نظریات و مقالات سمینار فرهنگ کار و بهره‌وری*، بی‌جا، انتشارات مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، اول.
۲۰. روشن ضمیر، محمد ابراهیم؛ فیروزی، نعمت الله (۱۳۹۳)، «نقش خدامحوری و مؤلفه‌های آن در مدیریت فرهنگی»، *نشریه آموزه‌های قرآنی*، شماره ۲۰، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۱. ری شهری، محمد (۱۳۸۳ ش)، *میزان الحکمة*، قم، دارالحدیث، چهارم.
۲۲. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۵)، *پرسیمان مهدویت*، قم، انتشارات شباب الجنه، دوم.
۲۳. شفیع سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۸)، *استراتژی انتظار*، تهران، انتشارات موعود عصر ع.ج.ع.، ششم.
۲۴. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ ق)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام*، قم، مؤسسه السيدة المعصومة.
۲۵. طالقانی، محمود (۱۳۶۰)، *مهدویت و آینده بشر*، تهران، انتشارات قلم.

۲۶. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۸)، *آن‌گاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود*، اصفهان، لب المیزان.
۲۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه: محمدجواد حجتی کرمانی، قم، انتشارات بوستان کتاب، دوم.
۲۸. عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۸)، *چیستی و ماهیت جنگ نرم و راهبردهای مقابله با آن*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، اول.
۲۹. فکور، بهمن؛ انصاری، محمدتقی (۱۳۸۸)، «مطالعه عوامل بازدارنده و انگیزشی برای نوآوری در بنگاه‌های کوچک منتخب ایران»، *فصل‌نامه توسعه کارآفرینی*، سال اول، شماره ۴.
۳۰. فیروزآبادی، سیدحسن (۱۳۸۶)، «آینده‌نگاری راهبردی در دکترین مهدویت»، *فصل‌نامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۳۱ و ۳۲.
۳۱. قاسمی، فرج‌الله (۱۳۸۹)، «نگاهی به راهبردهای اصولی سیاسی برای حکومت زمینه‌ساز ظهور، با بهره‌گیری از قرآن کریم»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۱۵.
۳۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۸ق)، *ینابیع المودة*، بیروت، علمی.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۳۴. کارگر، رحیم (۱۳۸۹)، *جستارهایی در مهدویت*، قم، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، اول.
۳۵. گودرزی، غلام‌رضا (۱۳۸۹الف)، *تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۳۶. گودرزی، غلام‌رضا (۱۳۸۹ب)، *افق جهانی، مدل مدیریت راهبردی موعودگرا*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.

۳۸. محدثی، جواد (۱۳۸۶)، «حجت محوری و امام هادی علیه السلام»، فرهنگ کوثر، شماره ۷۰.
۳۹. محمدرضایی، محمد؛ الیاسی، قاسم (۱۳۸۷)، «سعادت حقیقی از دیدگاه ملاصدرا»، فصل نامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، بی جا، دانشگاه شهید بهشتی.
۴۰. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۷)، «دکترین ظهور منجی در دوران معاصر با رویکرد عرفان»، ویژه نامه دکترین مهدویت، مجله شماره ۱۷.
۴۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول.
۴۲. مفید، محمد بن محمد (بی تا)، الاختصاص، بیروت، دارالمعرفة.
۴۳. مقیمی، سید محمد (۱۳۸۷)، کارآفرینی در سازمان های دولتی، تهران، نشر فراندیش.
۴۴. نقی پور فر، ولی الله (۱۳۸۲)، مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، اول.
۴۵. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، اول.
۴۶. نهازی، غلامحسین (۱۳۹۰)، «راهبردهای رسانه ملی برای ایجاد جامعه زمینه ساز ظهور»، مجله دانش راهبردی، شماره ۱۱۰، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴۷. ولایی، عیسی (۱۳۷۸)، کار در منابع اسلامی، تهران، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، اول.
۴۸. هاشمیان، سید محمد حسین؛ خلیلی، عزیزالله (۱۳۹۲)، «جایگاه خدامحوری در سیاست گذاری عمومی»، نشریه اسلام و پژوهش های مدیریتی، سال دوم، شماره دوم.
۴۹. هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۹۰)، «بررسی نقش رسانه در فرهنگ سازی ظهور»، مجله دانش راهبردی، شماره ۱۱۰، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۵۰. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۷)، کارآفرینی، تهران، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، سوم.
۵۱. همایون، محمد هادی (۱۳۹۰)، تاریخ تمدن و ملک مهدوی، تهران، انتشارات دانشگاه امام

صادق علییلا، اول .

۵۲. یعقوبی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «سعادت از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال دهم، شماره اول .

53. Bruyat, C. & Julien, P. A.(2000), Defining the Field of Research in Entrepreneurship, Journal of Business venturing, vol. 16.

54. Littunen, H.(2007), Entrepreneurship and the characteristics of Entrepreneurial Personality, Greenwood press, United State .

55. Smith, K. & Petersen, J., (2006), What Is Educational Entrepreneurship?